

# توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال بیست و چهارم  
بهمن ۱۴۰۲ شماره ۲۸۷

## پیرایه زندانی سیاسی ابزاری برای اسارت ایران

خانم نرگس محمدی نظیر استادش خانم شیرین عبادی - هر دو ایرانی، هر دو مخالف جمهوری اسلامی، هر دو دوستدار غرب استعمارگر و جنایتکار - موفق به دریافت جایزه بی‌اعتبار «صلح نوبل» شد. البته به جز تعداد معدودی دست‌آموز و آدمیان سفارشی که هلهله کردند و مطبوعات غرب در هلهله آنها دمیدند، جامعه ایران و جهان پوزخند تمسخر بر گوشه لب داشت. این اعطای جایزه به وی، منجر به برخوردهای گوناگون در میان اپوزیسیون ایران شد. مواضع اپوزیسیون انقلابی قابل پیش بینی بود ولی مواضع اپوزیسیون خودفروخته، کاملاً چپ اندر قیچی است. در حالی که برخی صریحاً از این اقدام کمیته نوبل حمایت می‌کنند، پاره‌ای نیز گام‌های حمایتی خویش را با احتیاط برمی‌دارند. برخی هم حتی از منظر حسادت و رقابت به مخالفت با آن برخاسته‌اند. ولی موضع حزب کار ایران (توفان) روشن است.

### دو ماهیت متفاوت

واقعیت این است که خانم نرگس محمدی سال ۱۴۰۲، ماهیتا آن خانم نرگس محمدی نیست که در دوره‌های گوناگون حکومت اصلاح‌طلبان و سرکوب‌های جابرانه در جمهوری اسلامی به دفاع از حقوق بشر در ایران برمی‌خواست. آن روز امر دفاع از حقوق بشر برای خانم محمدی جنبه اصولی داشت و از زندگی خصوصی خود مایه می‌گذاشت که قابل دفاع و قابل احترام بود. وی یکی از چهره‌های مبارزه برای تحقق حقوق بشر در میان زندانیان سیاسی ایران محسوب می‌شد و حزب ما نیز همواره از حقوق ایشان و سایر زندانیان سیاسی ایران دفاع کرد. خود ایشان در یک نامه علنی می‌نویسند:

«ابتدا می‌خواهم تأکید کنم که صدای مرا به عنوان یک ... ادامه در صفحه ۲

«آی آدم‌ها که بر ساحل نشسته شاد و خندانید

یک نفر در آب دارد می‌سپارد جان

یک نفر دارد که دست و پای دائم می‌زند

روی این دریای تند و تیره و سنگین که می‌دانید...»

نیمایوشیح

## نکاتی چند در زمینه برخورد بی‌تفاوت بخشی از جامعه ایران به جنایات بربرمنشانه صهیونیسم در سرزمین اشغال شده فلسطین

در برخورد به جنایات بربرمنشانه رژیم کودک‌کش و جنایتکار صهیونیستی اسرائیل در سرزمین اشغال شده فلسطین، موجی از نفرت و انزجار در سراسر جهان، آگاهانه به صورت یکپارچه بر ضد اسرائیل و متحدانش به ویژه آمریکا، بریتانیا و آلمان به پا خاست. ولی در ایران از این موج خبری نبود توگویی وجدانی در ایران بیدار نیست و اکثریت مردم ایران متأسفانه از دریچه نفرت از جمهوری و شریعت اسلامی با بی‌تفاوتی به این جنایات ضدبشری برخورد کردند. حتی آن جریاناتی که خود را پشت کمین‌گاه «حقوق بشر»، «آزادی و دموکراسی»، «احترام به حیثیت و کرامت انسانی» پنهان کرده بودند و یا حتی واقعا به این مفاهیم اعتقاد عمیق داشتند، در مقابل این همه جنایات که باید ارزش‌های فکری آنها را به چالش می‌کشید بی‌تفاوت ماندند و یا ترجیحاً سکوت اختیار نمودند. توگویی مسئله تحقق حقوق بشر، منطقه‌ای و غیرجهانشمول است. توگویی به مسئله حقوق بشر و کشتار کودکان، زنان و کهن‌سالان می‌توان نژادپرستانه برخورد کرد. به زعم آنها ظاهراً مردمانی وجود دارند که لایق برخورداری از حقوق انسانی نیستند و مشمول بهره‌مندی از این حقوق نمی‌شوند و کسانی هم هستند که بربر و وحشی بوده و باید به آنها افسار زد و آنها را به قتل رسانید. این تفکر نژادپرستانه و شاید ضدعرب و ضد فلسطینی تمام آن ساختار مصنوعی ذهنی «انساندوستی» این جمعیت را فرومی‌پاشاند. از آن جمله‌اند کسانی که در غائله اسرائیلی «زن، زندگی، آزادی» برای سوریه‌ای کردن ایران فعال بودند ولی حضورشان در جنبش اعتراضی انسانی ... ادامه در صفحه ۳

## اسرائیل بعد از ۷ اکتبر، اسرائیل قبل از آن نیست پیروزی راهبردی سازمان آزادیبخش حماس

«مرکز سنجش افکار عمومی «داهلیا شایندلین» (Dahlia Scheindlin) در اسرائیل نوشته است که حماس به روشنی نمره یک در مبارزه علیه اسرائیل است.» (مجله اشپیگل آلمان شماره ۵۱ مورخ ۱۶/۲۰۲۳).

در همان مجله آمده: «سازمان فتح غیرمذهبی که اداره خودمختاری در کرانه باختری را نظارت می‌کند برخلاف حماس عملاً پوچ شده است.»

این واقعیت آن است که مردم دنیا، که در اکثریت خود می‌اندیشند و می‌فهمند به آن واقف می‌باشند. حماس که به صورت دموکراتیک به عنوان نماینده مردم فلسطین انتخاب شده و برای رهائی فلسطین از چنگال صهیونیسم استعمارگر مبارزه می‌کند و منافع ملی مردم این سرزمین را مد نظر دارد، مورد حمایت فلسطینیان اعم از مسلمانان، یهودی و عیسوی است. مسیحیان کرانه باختری در همدردی با مردم غزه و مبارزه حماس از برگزاری جشن تولد عیسی مسیح در محل تولدش در بیت لحم در سال ۲۰۲۳ خودداری کردند. فلسطین یکپارچه در مقابل صهیونیسم و امپریالیسم و نوکران آنها ایستاده است. همدردی مسیحیان با مردم غزه و حمایت از مبارزه آنها به رهبری حماس به تمام اتهامات تزویرگران و مفتریان مبنی بر «اسلامیست» بودن حماس خط بطلان می‌کشد. این حمایت عیسویان گویای آن است که مسیحیان درک کرده‌اند که ماهیت مبارزه حماس مبارزه‌ای در جهت رهائی ملی و آزادی سرزمین اشغالی فلسطین است.

در مورد «تروریست» خواندن مشخص حماس آنهم از جانب حکومت‌های تروریستی ناتو را همه شنیده‌اند. از همان روز نخست عملیات قهرمانانه ۷ اکتبر که اسرائیلی‌های ریاکار با ابزار انحصاری تبلیغاتی خود تلاش کردند آن عملیات را جنایت کارانه جلوه دهند و موجی از تبلیغات بر ضد سازمان «تروریستی» حماس به راه انداختند که گویا سر ۴۰ کودک یهودی را بریده‌اند و به زنان حین حمله تجاوز کرده‌اند، حکومت اسرائیل متزلزل شد و اعتماد عمومی نسبت به شکست‌ناپذیری و هشپاری خود را از دست داد. صهیونیست‌ها با این کار تبلیغاتی خود در واقع قیاس به نفس می‌کنند زیرا خود آنها بودند که کودکان فلسطینی را ترور می‌کردند زیرا آنها را تروریست‌های فردا معرفی می‌نمودند. عقل سالم از خود می‌پرسد که در آن بحبوحه پیکار و شیخون که چند روز طول کشیده و حدود ۱۴۰۰ نفر کشته از هر دو طرف به جای گذارده است چه جای ... ادامه در صفحه ۵

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران پیوندید

پیرویه زندانی سیاسی... دنباله از صفحه ۱

فعال حقوق بشر و زنی می‌شوید که از بدو ورود به دانشگاه یعنی از ۲۹ سال پیش تاکنون، در عرصه فعالیت دانشجویی، زنان، و حقوق بشر، در جامعه مدنی در ۱۲ نهاد مدنی فعالیت کرده، و به موجب فعالیت مدنی خشونت‌پرهیز تاکنون ۱۳ بار بازداشت، و در ۵ دادگاه در مجموع به ۳۴ سال زندان و ۱۵۴ ضربه شلاق محکوم شده‌ام، و تاکنون هفت سال زندان کشیده، و هشت سال نیم دیگر را هم باید تحمل زندان کنم، اکنون در زندان هستم، و ذره‌ای احساس پشیمانی و تردید ندارم، بلکه با شدت و اشتیاق و امید و سرزندگی در داخل ایران به مبارزه ادامه می‌دهم، و یقین دارم که پیروز خواهیم شد.»

طبیعتاً این داغ تنگی بر چهره جمهوری سرمایه‌داری اسلامی است که حقوق انسان‌ها را لگدمال کرده، مقررات ارتجاعی را به زندگی مردم تحمیل نموده، بی‌احترامی به حقوق مردم و توحش را در دستور کار خود قرار داده و انسان‌ها را به مجازات ضربه شلاق اسلامی محکوم می‌کند. همین سیاست است که زنان قهرمان ایران را مجبور به حمل پوشش اجباری می‌نماید و شریعت اسلامی را که شریعت آهست و نه شریعت مردم و تاریخ ایران، شریعتی کهنه شده و قرون وسطائی را به صحنه زندگی عمومی آورده و به زندگی خصوصی مردم نیز تسری می‌دهد. باید با این سیاست که نقض حقوق انسان‌ها است، در کنار سایر مسائلی که تاکنون مطرح کرده‌ایم مبارزه کرد. این مبارزه همواره مورد تأیید ما بوده است.

ولی تحولاتی که در جامعه ایران و حتی در زندان‌های ایران صورت گرفته و وضعیتی ایجاد شده است که دلنک‌هایی نظیر معصومه علینژاد قمیکان سعودی انترنشنال، من و تو، رادیو فردا و زمانه صحنه گردان معرکه شده‌اند و رهبری معنوی اعتراضات به ویژه جامعه روشنفکری و مرفه ایران را در دست گرفته‌اند، متأسفانه در رفتار و رویه خانم محمدی و برخی زندانیان سیاسی بی‌مایه موثر واقع شده است. در شرایطی که فقدان دموکراسی مانع از آن است که نیروهای انقلابی، دموکرات و ایران دوست به افشای گری دست زده و حتی سازمان‌ها، گروه‌ها، اتحادیه‌ها برای حفظ حقوق انسانی، امنیت ملی، حفظ تمامیت ارضی ایران و... به فعالیت بپردازند، طبیعتاً زمینه برای تبلیغات دشمن که از امکانات فراوان برخوردار است آماده گشته و می‌تواند در این زمین آماده‌ی بهره‌برداری، سربازگیری کند. رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی با روش فریبکارانه خویش راه فریبکاری دشمنان ایران را نیز هموار می‌کند که نرگس محمدی یکی از قربانیان آن است. نقشی که امروز این خانم بازی می‌کند در خدمت افشای جمهوری اسلامی نیست در خدمت نابودی ایران و همدستی با دشمنان ایران برای ادامه تحریم و تجاوز به ایران است. کسی که امروز این تفاوت ماهوی را نبیند، به آلت دست تبلیغات امپریالیسم و صهیونیسم بدل خواهد شد. خانم نرگس محمدی می‌تواند هنوز از این راه رفته‌ی ایران‌ستیزی، دشمنی با حقوق بشر و توجیه جنایات صهیونیسم، نسل کشی و کودکی کش باز گردد و از محضر ملت ایران طلب استغفار نماید. در غیر این صورت راهی که برگزیده به زباله‌دان تاریخ می‌رود همانجائی که رضایپهلوی، عبدالله مهدی، مسیح علینژاد، نتانیاهو و جو بایدن می‌روند.

استحاله ارتجاعی

در زمانی که این مقاله به نگارش در می‌آمد بر سر این موضوع که کدام عنوان برای بیان مضمون مقاله مناسب‌تر است تعمق فراوان شد. عناوین مطروحه عبارت بودند از:

نرگس محمدی قهرمان ارتش ناتو برای تخریب از درون.  
نرگس محمدی حامی حقوق بشر گزینشی.

نرگس محمدی بازگرایی در زندان که برای امپریالیسم و صهیونیسم خوشقصی می‌کند.

نرگس محمدی مهره سوخته تبلیغاتی ارتجاع سیاه ضدایرانی جهانی.

البته همه این عناوین و یا عناوین مشابه برانزده رفتار کنونی خانم نرگس محمدی و همدستان آگاه و یا

بازی‌خورده آنها در داخل و یا خارج زندان می‌باشند. به این عناوین حتی می‌شود «محسنات» دیگری را که از

برنامه‌های فعالیت آینده ایشان در هماهنگی با امپریالیسم و صهیونیسم و همه ایران‌ستیزان جهانی پرده برمی‌دارد

نیز اضافه کرد. ولی ما عنوان انتخاب شده را برگزیدیم زیرا حقیقتاً به بحث بر سر ماهیت زندانیان سیاسی کنونی و

نوع برخورد نیروهای انقلابی به آنها و نوع دفاع از حقوق دموکراتیک و انسانی، چگونگی احترام به موازین و

ضوابط جهانی در برخورد به حقوق زندانیان صرف نظر از ماهیت سیاسی و یا غیر سیاسی آنها را در دستور کار قرار

می‌دهد. از هم اکنون حرکت‌هایی مشاهده می‌شود که چاقوکشان، قمه به دستان، آدمکشان را نیز در زمره فعالان

انقلابی و سیاسی جا بزنند و از تروریست‌ها و جاسوسان بیگانه تنها به صرف مخالفت آنها با جمهوری اسلامی

به عنوان **قهرمان** به دفاع برخیزند. این مخدوش کردن مرزها طبیعتاً نه به نفع زندانیان سیاسی واقعی است، نه

به نفع ایران و نیروهای انقلابی و نه به ضرر جمهوری اسلامی که از این روش سخیف اپوزیسیون مشکوک

سوءاستفاده می‌کند تا همه زندانیان سیاسی را لجن مال نموده و سرکوبگری خویش را توجیه کند. خانم نرگس

محمدی و نظایر ایشان که از درون زندان‌ها به پخش اکاذیب مشغولند از این زمره‌اند. فعالیت آنها فقط در

خدمت ایجاد سردرگمی، گردو خاک کردن، جنجال‌های بی‌سند و غیرقابل اثبات است که در طی زمان فقط به

بی‌اعتمادی مردم منجر می‌شود. البته این بی‌اعتمادی به قیمت دورخیزی تمام می‌شود که خانم نرگس محمدی

از مدت‌ها قبل برای کسب جایزه بی‌اعتبار «صلح نوبل» برداشته و برای آن تدارک دیده و با مهندسی همدستانش

در خارج از کشور به صحنه آرائی آن مشغول بود. بنا به حال ایشان که مبارزه مردم قهرمان فلسطین در ۷ اکتبر

سال گذشته بر ضد جنایتکاران ضدبشر اسرائیلی، خط باطلی بر حساب‌های ایشان کشید و این مدافع کاسبیکار

«حقوق بشر» را بر کوهی از اجساد فلسطینی، قربانیان صهیونیسم و بر تلی از جنازه هزاران کودک فلسطینی

افشای کرد. جایزه ایشان به قیمت خون مردم فلسطین است و از آن خون می‌چکد. تیم آموزش دیده خانم

نرگس محمدی در تکمیل پروژه‌ی غائله «زن، زندگی، آزادی»، با این رویکرد در فلسطین حساب نکرده بود. حتی

خود خانم نرگس محمدی این اقدام نمایشی را «حمایتی معنادر و پرقدردانی از جنبش باشکوه «زن زندگی آزادی»

و یک زن زندانی مدافع حقوق بشر و دموکراسی خواه» دانست و به این ترتیب ماهیت حمایت بی‌معنی ایشان

از حقوق بشر نقش بر آب شد. پروفیسور محمد سهیمی یکی از رهبران با سابقه و مورد

احترام اپوزیسیون در آمریکا که از حامیان خانم نرگس محمدی در زندان بود و سال‌ها از حقوق دموکراتیک ایشان دفاع می‌کرد، فاش ساخت که ایشان مطلع است که

شرط اعطای جایزه نوبل به خانم محمدی این بوده که وی نباید جنایات اسرائیل را محکوم نموده و از مردم فلسطین

دفاع کند. این پیام را کمیته نوبل از طریق بند ارتباطی سری خود به داخل زندان رسانده و از این خانم قول

همکاری گرفته بود. حتی چندی پیش صندوق فرهنگی سازمان ملل یونسکو جهت چهره آرائی این خانم، برای

دریافت جایزه نوبل جایزه برتر آزادی مطبوعات (گیلمو کانو) امسال را نیز به خانم نرگس محمدی اعطاء کرد.

ببینید چه ارتشی برای حمایت از ایشان بسیج شده است. تمام ممالک همدست آمریکا، غرب و

صهیونیسم در رسانه‌های گروهی انحصاری خود با آب و تاب

صحنه‌سازی‌های اعطای جایزه «صلح نوبل» را به خانم نرگس محمدی نشان دادند. سیل تبریکات از

جانب رضا پهلوی یکی از رهبران هشنگانه غائله «زن، زندگی، آزادی»، فرح پهلوی، دولت نروژ، استرالیا، کانادا

و سایر رهبران و دول وابسته به ناتو، آقای جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا و همه نهادهای دست پرورده

حقوق بشری ایرانی و خارجی و... سرازیر شد. حجم این تبریکات و تحرکات به اعتبار این جایزه بی‌اعتبار

آنها در زمان قتل عام هزاران نفر فلسطینی با همدستی همین آفرین‌خوانان ذره‌ای نیافزود و تمام تلاش و زورشان

برای اینکه از این خانم قهرمان ملی بسازند با شکست مفتضحانه روبرو شد.

**سرتنگونی رژیم جمهوری اسلامی با یاری دشمنان مردم ایران**

خانم نرگس محمدی دست به دامان امپریالیسم برای سرتنگونی رژیم جمهوری اسلامی است و برای استقلال

کشورش پیش‌ریزی ارزش قابل نبوده و اعتماد کورکورانه‌ای نسبت به امپریالیسم دارد که حدود سیصد سال ایران را

چاپیده‌اند. حزب کار ایران (توفان) در تاریخ ۱۹ اکتبر ۲۰۲۳

در باره «اپوزیسیون پرو غرب در یک صف» در اشاره به همین همکاری خانم نرگس محمدی با مراجع یونسکو

و اروپائی نوشت:

«خانم نرگس محمدی صریحاً در بیانیه اخیر خود اعلام کرد و از اتحادیه اروپا خواست تا با «فشار حداکثری به

رژیم شرایط را برای گذار از رژیم جمهوری اسلامی به رژیمی دیگر فراهم سازد!»

«این خانم برنده جایزه صلح خواهان تشدید تحریم‌های اقتصادی و مداخله خارجی برای تغییر نظام سیاسی در ایران

است. تغییر برای چه؟ برای ادامه سیاست‌های نتولیبرالی، ورود سرمایه‌های خارجی، تعمیق خصوصی‌سازی‌ها و به

متحد غرب تبدیل شدن در منطقه و مخالفت با سیاست گردش به شرق ایران در نظم جدید جهانی. آنها معلوم

نیست که همین سیاست راست امپریالیستی و مداخله خارجی به جنگ داخلی نینجامد!»

خانم نرگس محمدی در همان پیام خود در اردیبهشت ۱۴۰۲ به مناسبت دریافت جایزه یونسکو دست به دامان

مراجع جهانی شده و خواست: «توان سرکوب حکومت را تضعیف کنید» و با دروغ و تحریف مدعی شد: «جمهوری اسلامی همانند طالبان در پی محروم کردن دختران از حق تحصیل است» و یا ایشان با اشاره به صحنه‌سازی‌های مشکوک مسموم‌سازی دختران دانش آموز نوشته است:

«حکومت به دنبال... ادامه در صفحه ۳»

**سرتنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران به دست مردم ایران**

پیرایه زندانی سیاسی... دنباله از صفحه ۲

تدارک و پشتیبانی از سیاستی است که با ایجاد رعب و وحشت، مانع رفتن دختران به مدرسه گردد. حکومت جمهوری اسلامی چون طالبان افغانستان به دنبال محرومیت دختران از «حق تحصیل» است؛ با این تفاوت که طالبان از بلندگوهای وزارتخانه‌ها اعلام می‌کند اما جمهوری اسلامی با سیاستی فریب‌کارانه این هدف را دنبال می‌کند.

حتی خانم نسرين ستوده که با ایشان همدلی می‌نمود و موفق به دریافت جایزه نوبل نشد نیز در پیامی به کنگره عفو بین‌الملل مانند خانم نرگس محمدی به دروغ خواهان جلوگیری از مسموم‌سازی دانش‌آموزان شد. که امروز ماهیت این تبلیغات مفتریان غائله «زن، زندگی، آزادی» آشکار است.

هر ایرانی منصفی که مسایل ایران را دنبال کرده و می‌کند، می‌فهمد که این نوع ادعاهای بی‌شمارانه علیرغم سیاست‌های زن‌ستیزانه جمهوری سرمایه‌داری اسلامی خلاف واقعیت است و فقط از انبان صهیونیسم بین‌الملل و سعودی اتریش‌نات تراوش می‌کند. نرگس محمدی این اکاذیب را برای ایجاد فضای مسموم و توجیه تجاوز به تمامیت ارضی ایران و ویرانی میهن ما تبلیغ می‌کند و خود کاملاً به نادرستی آنها واقف است.

ببینید وضعیت ریاکاری به کجا رسیده است که حتی یاسمین پهلوی در تضاد با رضا پهلوی از روی عصبانیت و به درستی به افشاء خانم نرگس محمدی دست زده و ادعاهای کذب وی را که گویا قادر نیست از درون زندان با خانواده‌اش تماس گرفته با فرزندانش صحبت کند بر ملا ساخته است. ناگفته بحث روز است که این خانم از درون زندان با همه مراجع و رهبران جهانی در تماس بوده و حتی مدافع دادگاه کیفری امپریالیستی لاهه است و برای آنها مشاطه‌گری می‌کند و آنوقت مدعی است که از درون زندان امکان تماس با فرزندانش را ندارد.

پس از انتشار مصاحبه آنجلینا جولی با نرگس محمدی روز چهارشنبه، اول آذر، در نشریه «تایم»، خانم یاسمین پهلوی در روایتگر حساب اینستاگرام خود، به مصاحبه تلفنی نرگس محمدی، با آنجلینا جولی، بازیگر سرشناس هالیوود، واکنش نشان داد و نوشت: «چگونه به یک زندانی سیاسی اجازه صحبت با آنجلینا جولی داده می‌شود، اما او نمی‌تواند اجازه گفت‌وگو با پسرش را بگیرد. این موضوع برای بسیاری از ما یک معماست». پس از اعلام نام نرگس محمدی به‌عنوان برنده جایزه صلح نوبل در ماه گذشته، پسرش، علی، به رسانه‌ها گفته بود که او و خواهرش، دو سال است با مادرشان صحبت تلفنی نداشته‌اند.

از این به بعد باید منتظر چنین قهرمانانی بود که امپریالیسم و صهیونیسم به وجود آنها برای تسخیر ایران نیاز دارند. ناگفته نماند که خانم نرگس محمدی که در مورد جنایات اخیر اسرائیل در نوار غزه فوراً به نفع اسرائیل اظهار نظر کرده بودند، با تاخیر سه روزه یعنی در تاریخ ۱۶ دیماه ۱۴۰۲، بعد از این که از بیانیه داعش در قبول مسئولیت ترور کرمان در تاریخ ۱۴ دیماه یعنی یکروز بعد از انجام این جنایت با خبر شدند و مطمئن گردیدند که اسرائیل از اتهامات «برائت» یافت، اطلاعیه‌ای در محکومیت داعش صادر کردند که در آن بیش‌تر جمهوری اسلامی آماج حمله و انتقاد بود تا داعش که مسئولیت این جنایات را به عهده گرفته بود و

حامی تروریسم بود. از سالگرد ترور سردار قاسم سلیمانی به دست دولت آمریکا سخنی هم در میان نیست، تو گوئی تروریسم خوب و بد دارد. ما از خانم نرگس محمدی اطلاعیه‌ای در محکوم کردن ترور مردم شیراز در شاهچراغ توسط داعش ندیدیم زیرا آن بیانیه می‌توانست در زمان خود به تضعیف غائله «زن، زندگی، آزادی» تمام شود و آشوبگران با بیان این که کار خودشان است داعش را در کنف حمایت خود گرفتند. کینه‌توزی به مردم ایران حیرت‌انگیز است. این عده نمی‌توانند حامی حقوق بشر و سعادت و رفاه مردم ایران بوده، از تمامیت ارضی ایران دفاع کرده و مخالف تحریم‌های ضدبشری و نقض همه حقوق قانونی کشور رسمی و مستقل ایران در عرصه جهانی باشند. کسانی که در همه این زمینه‌ها یا مدافع امپریالیسم‌اند و یا در باره آن سکوت می‌کنند در جبهه مردم ایران قرار ندارند.\*

### نکاتی چند در زمینه... دنباله از صفحه ۱

سراسری و میلیونی جهانی بر ضد جنایات ضدبشری صهیونیسم و امپریالیسم نه تنها غایب بود بلکه با آنها نمایشات تبلیغاتی مشترک به نفع جنایات اسرائیل برگزار نموده و عملاً نه تنها در نمایشات اعتراضی شرکت نکردند و ایرانیان را بسیج نمودند بلکه حتی با تئوری پردازی که گویا این جنگ به ما مربوط نیست و جنگی میان دو نیرو و قطب ارتجاعی است عملاً به استحمار مردم پرداخته و در خدمت رسانه‌های انحصاری تبلیغاتی صهیونیست به ماشین دروغ‌پردازی آشکار آنها بدل شدند. این یاران «زن، زندگی، آزادی» در زیر رهبری هشت گانه نه تنها مردم را از رفتن به اعتراضات باز می‌داشتند بلکه در تبلیغات خود سازمان رهائی بخش حماس که برای آزادی سرزمین‌اش از دست اشغالگران صهیونیسم مبارزه می‌کند و مبارزه‌اش ماهیت ضداستعماری و مترقی دارد را بیش از رژیم ارتجاعی اسرائیل آماج حمله قرار داده و روح تبلیغات آنها چنان بود و هست که گویا در این درگیری خونین حق با صهیونیسم است و نه با حماس. زیرا حماس ارتجاعی و خطرناک‌تر از صهیونیسم بوده و میان بد و بدتر باید بد را انتخاب کرد. آنها آرزوی پیروزی صهیونیسم بر حماس را داشته و هنوز هم دارند و در این زمینه به شدت فعالند.

ایرانیان با وجدان در تمام تظاهرات اعتراضی شاهد بودند که این ایرانیان بی‌وجدان در آنها حضور ندارند و انبان تبلیغاتی «حقوق بشری، حقوق زنان، آزادی، زندگی» و... را فقط برای مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی و نه جمهوری سرمایه‌داری اسلامی به کول می‌کشند تا در مناسبت‌های گوناگون نظیر دادن جایزه نمایشی و مسخره نوبل به نماینده ناتو در ایران به نام خانم نرگس محمدی از آن استفاده کنند. این ایرانیان بی‌وجدان شعارهای معینی را تبلیغ می‌کنند از جمله این که رژیم جمهوری اسلامی را مرتب با طالبان در افغانستان و یا با حماس در فلسطین مقایسه کرده و می‌خواهند از یک جانب تمام نفرت مردم ایران از رژیم حاکم در ایران را به حاکمان افغانستان و مبارزان فلسطینی تسری دهند و از جانب دیگر لشکر کشی امپریالیسم و صهیونیسم بر ضد طالبان در افغانستان و حماس در فلسطین را موجه جلوه داده و آرزوی تجاوز «آزادبخش» آمریکا

و ناتو به ایران را در میان مردم القاء نموده و یا آنها را در مقابل این تجاوز از نظر روحی و روانی خلع سلاح نمایند. این سیاست صهیونیستی از چند دهه با گام‌های کوچک و حساب شده به پیش برده می‌شود. نفی تاریخ و هویت ایرانی، نفی همه دستاوردهای ورزشی، هنری، علمی، فنی، نفی تمامیت ارضی و تبلیغ تجزیه‌طلبی به ویژه در کردستان، بلوچستان تحت عنوان پوچ «چشم و چراغ ایران» و... تنها بخشی از این سیاست راهبردی صهیونیسم و امپریالیسم و محصولات اطلاق‌های فکری آنهاست.

مردم عزیز ایران باید نقش این خرابکاران و ستون پنجم‌های تبلیغاتی دشمنان ایران را بشناسند و مرز خویش را در مبارزه با این جریان‌ها ناسالم در مبارزه سرسختانه با رژیم جمهوری سرمایه‌داری اسلامی به روشنی بیان دارند. مبارزه مردم ایران باید با هدف سربلندی، توانائی و استقلال ایران، حفظ تمامیت ارضی و وحدت ایران، احترام به حقوق مردم ایران، در خدمت حسن همجواری با همسایگان ایران بر اساس احترام به

منافع متقابل و احترام به امنیت متقابل باشد. هر کس مخالف رژیم جمهوری اسلامی بود و خواست سرنگونی این رژیم را به صورت مجزا از مضمون این سرنگونی طرح کرد و آینده ایران را از حال آن جدا نموده و بدتر از همه با شعار «هرگ بر خامنه‌ای» و نه سرنگونی تمامیت حاکمیت جمهوری اسلامی به میدان آمد، الزاماً از میهن ما ایران حمایت نمی‌کند و دلش برای سرنوشت مردم کشور ما نمی‌سوزد بلکه دلش برای آمریکا و اسرائیل می‌تپد که تنها با تغییر در راس رژیم و تکیه بر اصلاح‌طلبان، بدون «آشوب و خونریزی» و توسل به قهر غیرقابل کنترل، کل نظام را به مصداق «هلو بیا برو توی گلو» غلفتی به چنگ آورند.

طبیعتاً این دشمنان ایران در مجموع خود ضد دستاوردهای انقلاب ۱۳۵۷ ایران هستند و می‌خواهند کشور ما را به عقب برده و همان شرایط استعماری قبل از انقلاب را به ایران تحمیل کنند. واعظان آنها نظیر زیباکلام‌ها، موسی غنی‌نژادها و... از هم اکنون فعالند و برای این تغییر زمینه سازی فکری می‌کنند.

ما در بخش نخست این مقاله در مورد نقش این ستون پنجم ایرانیان بی‌وجدان صهیونیست در داخل و خارج ایران صحبت کردیم ولی نادرست است اگر ریشه تمام بی‌تفاوتی مردم ایران را نسبت به این همه جنایتی که در فلسطین اشغالی اتفاق می‌افتد را در موفقیت تبلیغاتی ستون پنجم اسرائیل و آمریکا در ایران و بلندگوهای تبلیغاتی آنها جستجو کنیم. این نگاه یک طرفه نقش ناسالم جمهوری اسلامی را به ویژه در بدو انقلاب که گویا به اشغال کشور ایران دست زده‌اند در پرده می‌گیرد. این که جامعه ایران از همان بدو انقلاب به سوی دو قطبی شدن رفت، حاصل سیاست جمهوری اسلامی بود که مردم ایران و یا اکثریت مردم این سرزمین تاریخی را شهروند ایرانی و مالک این آب و خاک به حساب نیاورده و تصور می‌کرد که تا کنون آنها بر سر کار بوده و از مزایا و منافع این کشور برخوردار می‌شدند و از این به بعد ما صاحب و مالک این کشور بوده و سهم خویش را از این غنایم می‌خواهیم. آنها به عنوان «افتاح و اشغالگر» بر مسند قدرت نشستند و نه به عنوان پاسداران ایران. آنها مردم ایران را به خودی و غیرخودی تقسیم کردند و به ... ادامه در صفحه ۴

اپوزیسیونی که مرزبندی روشن با امپریالیسم و صهیونیسم ندارد دست دراز شده آن‌هاست

نکاتی چند در زمینه... دنباله از صفحه ۳

خود می‌داند که تمام اختیارات تجاوز، اعمال نفوذ، غارت غنایم و... را دادند. نباید فراموش کرد که این خودی‌ها روزانه در کودکان و نوجوانان ظاهر شده و با روش‌های قرون وسطایی تفتیش عقاید از کودکان در مورد مناسبات خانوادگی آنها استنطاق می‌کردند. نظیر: آیا اعضاء خانواده‌ات قبل از طلوع آفتاب از خواب پا می‌شوند و نماز می‌خوانند؟ آیا پدرت شب‌ها مهمان دارد و نوشابه سفید رنگ می‌نوشد؟ آیا در ماه رمضان ظهر در خانه نهار صرف می‌کنید؟ و...

این وضعیت در مدارس به آنجا منجر شده بود که مردم ایران با دروغ زندگی کنند. حتی در درون خانواده دروغ و ریاکاری حاکم شود. و این تأثیرات منفی سیاست «خودی‌ها» توانست در عمق ارزش‌ها و معنویت مردم ایران خدشه وارد نماید و آنها را به دوری از حاکمیت و ارزش‌های بیگانه‌ی برآمده از آنها بکشاند.

آقای عبدالمجید معادیکوخواه را شاید امروز کم‌تر کسی به خاطر آورد. در جستجوگر فضای مجازی نیز جز جعل تاریخ زندگی ایشان و تمجید و ستایش از این فرد سند دیگری نمی‌یابید. وی پس از انقلاب ۱۳۵۷، به عنوان قاضی شرع دادگاه انقلاب و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در دوره دولت اول میرحسین موسوی (در سال‌های ۱۳۶۱-۱۳۶۰) فعالیت می‌نمود و در کنار همه جنایاتش که زیان‌داز خاص و عام بود، پرونده تجاوز وی به زنان و به ویژه به متهمان زن متاهل و متعلق به سردمداران رژیم گذشته از حد تخیل گذشته بود، به طوری که نظام خودی‌ها به توجیه آن برآمد و زنان به غنیمت گرفته شده را فاقد هرگونه حقوق شهروندی وانمود ساخت. افتتاح این کار به آنجا رسید که سرانجام این آقا را در دادگاه ویژه روحانیت محاکمه کرده و به جای مجازات اعدام برای جرم زناکاری تنها از وی خلع لباس نمودند. این واقعه در ذهن میلیون‌ها ایرانی ثبت است. مردم ایران در حافظه تاریخی و جمعی خود می‌دانند که گرازهای جمهوری اسلامی در بدو انقلاب به روی دختران میهن ما اسید می‌پاشیدند، شطرنج، فوتبال، والیبال، بسکتبال، ورزش زنان به طور کلی و... را ممنوع کردند. دستان مردان آستین کوتاه را رنگ می‌نمودند، به زنان غیرمحبوبه حمله‌ور می‌شدند، با ایجاد پاسگاه‌ها و گشت‌های مسلح بین راه به نام اجرای شریعت اسلامی بدون کوچک‌ترین مجوزی و تنها متکی بر حمل مسلسل، خودروهایی شهروندان را متوقف کرده و کنترل می‌کردند تا در آن مشروبات الکلی یافته و دمار از روزگار مالک آن در آورند. شلاق زدن و تحقیر مردم در ملاء عام، بازی کردن با آبروی و حیثیت آنها، و یا به زندان انداختن مردم در دستور کار این مشرعیان سیه‌کار قرار داشت. این رژیم خودی‌ها به دزدان خودی در غالب بنیادهای مذهبی غیر قابل نظارت، تمام امکانات غارت را به عنوان باج‌دهی برای حفظ تسلط خود داده بود. حق امام جای واژه دزدی به کار می‌رفت. روحانیون و یا هر کس لباس روحانی به تن داشت فعال مایه‌اش بود و کسی جرأت نداشت متعرض اجحافات آنها شود. شمشیر آخته اسلام ناب محمدی تحت عنوان حکومت اسلامی متکی بر شریعت اسلام سایه شومش را بر همه جا افکنده بود. قانون ارتجاعی قصاص را که انسان را با شتر ارزش‌گذاری می‌کرد در دستگاه قضائی ایران وارد کرده و حقوق مدنی انسان‌ها را ازین بردند. «دیه» که ماهیت قتل را که امری عمومی و محصول دست‌آورد بشریت بعد از قرون وسطی بوده است را به امر خصوصی بدل کردند و خونخواهی و انتقام‌جویی

قرون وسطایی و نماینده بربریت، به نام شریعت اسلامی به اجراء گذارده شد. قاتلان غنی خودی، با پول خونخوئی می‌کردند و هنوز هم می‌کنند. ایرانیت مذموم شناخته شد، تاریخ افتخارآمیز ایران حذف شد. ماهیت ایران نه با هویت ملی بلکه با هویت اسلامی که فقط به ۱۴۰۰ سال قبل باز می‌گردد توضیح داده شد. کتب دبستانی تحریف و با روایت دروغ بازنویسی شدند، دانشگاه با «انقلاب فرهنگی» از یک محیط علمی پاکسازی گردید. علوم انسانی تحریف گشت و اسلامی شد. علوم حق نداشتند خلاف شریعت اسلام باشند و سخن از فیزیک و ریاضیات اسلامی ورد زبان شده بود!؟؟ اینکه تجاوز به دختران باکره در زندان و یا تیرباران کردن آنها، از نظر اسلامی مجاز شناخته شود یا نه بحث روز مطبوعات و افشاء‌گری آیت‌الله منتظری گردید. تعزیر به جای شکنجه آمد و تقیه یعنی دروغ‌گوئی و ریاکاری به نام شریعت اسلامی بر سر هر کوی و برزن حاکم شد. اعدام مخالفان در ملاءعام با آویختنشان از منجیق و انتشار تصاویرشان در مطبوعات و صفحه سیمای جمهوری اسلامی، قتل‌های زنجیره‌ای، ترورهای مخالفان در خارج از کشور، قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷، اعدام چهره‌های برجسته اپوزیسیون نظیر قهرمانانی چون شکرالله پاک‌نژاد و سعید سلطانی‌پور، به راه انداختن ماشین تواب‌سازی، برقراری شکنجه‌های بربرمنشانه، بی‌شکل، معیوب و بی‌هویت کردن انسان‌ها در زندان و انتشار تصاویر و اقراریه ساختگی‌شان، تحت مدیریت اسدالله لاجوردی کریمه المنظر و سفاک، دژخیم زندان اوین در سیمای جمهوری اسلامی و پخش روزانه آنها برای ایجاد رعب و وحشت، ضبط اموال و دارائی مخالفان به نام «طاقوتی»ها به صورت خودسرانه و بدون اتکاء به ضوابط و قانون، توسل به هر تبهکاری، دشمنی با غیرخودی‌های ایرانی تنها با نیت تحکیم سلطه‌ی متزلزل روحانیت از گور تاریخ برخاسته‌ی قرون وسطایی و آنهم عجین با عطفوت و رأفت اسلامی که همه «خودی‌ها» را از مجازات در امان می‌گذاشت و تا امروز هم می‌گذارد و قادر نیست آنها را ریشه کن نماید، بحث روز وشب مردم ایران شده بود که با کنایه و نفرت در همه جا از آن یاد می‌کردند. جمهوری اسلامی در این «هنرنامه‌ی» خود موفق به ایجاد گسل فاحشی در اجتماع و جامعه ایرانی شد که هنوز هم نه تنها از نظر فرهنگی، روانی، تاریخی و معنوی وجود دارد و عمق می‌یابد، بلکه با منافع طبقاتی حاکمیت جمهوری اسلامی که بی‌توجهی و دشمنی آشکار خود را به اعتصابات، مطالبات عادلانه کارگری، اعتراضات فرهنگیان، بازنشستگان و محرومان جامعه نشان می‌دهد، گره خورده و تکمیل شده است. تجاوز به روح ایرانی با تسلیح نئولیبرالیسم سرمایه‌داری بر ضد اکثریت جامعه ایران بر پرچم این حاکمیت حکم شده است. سیل مخالفان تنها شامل قربانیان معنوی و ایران‌دوست نیست بلکه فرودست‌ترین مردم، زحمتکش‌ان جامعه را نیز در برمی‌گیرد که معجونی غیرقابل کنترل و انفجارزاست. این بود که نفرت از اسلام ناب محمدی و شریعت اسلامی که به عنوان اسلام ناب و واقعی عرضه می‌شد در دل و ایمان مردم و یا اکثریت عظیم آنها ریشه دوانید. حتی مذهبیون معتدل به صدا درآمدند و نماز و روزه خود را به کنار گذارده و بیان کردند که نمی‌دانستند که اسلام واقعی دینی تا این حد ارتجاعی و خونخوار بوده و از انسانیت و انسان‌ها و حقوق آنها نفرت دارد. موسیقی حرام اعلام شد، زنان حق آواز خواندن تا به امروز ندارند. روح شادی

و تاریخ موسیقی ایران سرکوب گردید. هنر و سینما به زیر تیغ سانسور رفت، حق زنان در ایفای نقش در اکران سلب گردید. در واقع نیمی از جمعیت ایران جذامی اعلام شدند! این بود محصول اجرای شریعت اسلامی و اسلام ناب محمدی. اجرای برنامه‌های تبلیغاتی تهوع آور برای مسلمان کردن به زور مردم، اشغال مسندهای رسانه‌ای برای انجام تبلیغاتی یکسان، خسته کننده و تکراری مذهبی با فشار مراجع گوناگون و یا باندهای متفاوت دینی برای استحمار مردم و... می‌شود این سیاهه را ادامه داد که پایانی بر آن متصور نیست.

البته مبارزه مردم ایران و به ویژه زنان، رژیم ارتجاعی مذهبی را در بسیاری از زمینه‌ها به عقب‌نشینی واداشت. در بسیاری از زمینه‌ها آن برآمدهای قرون وسطایی گذشته نه وجود دارد و نه خریداری و در عمل قدرتش در مقابل عزم پایدار و مصمم مردم ایران و نیروی توانمند تمدن تاریخی و سنت‌های انقلابی ایرانیان درهم شکست. از آن گذشته فرزندان همین مشرعیان مذهبی به تحصیلات عالی دست یافتند و خود به مخالفان برخی روایت‌های دینی سنتی خانوادگی بدل شدند که مجازات آنها برای نظام به راحتی مقدر نبود. بسیاری از این عقب‌نشینی‌ها به رژیم تحمیل شد و اگر استمرار این مبارزه قطع شود از جمله مبارزه برای رفع پوشش اجباری، خطر بازگشت جولان شریعت اسلامی و مشرعیان برآمده از گورستان تاریخ منتفی نیست. امروز طبیعتاً با رشد مبارزه طبقاتی روحانیت نیز مانند آغاز انقلاب یکدست و یکسان نیست و بر اساس منافع طبقاتی به صیفندی‌های نوین رسیده است که تأثیراتش را در این عقب‌نشینی‌ها می‌گذارد. ولی نفرت مردم از شریعت ناب اسلامی و وحشت و هراسشان از حکومت اسلامی که برای آنها حکم کابوس را دارد با آن ترانامه برشمرده، شامل همه گروه‌های مذهبی می‌شد و می‌شود و به این یا آن جناح با نام افراطی یا محافظه‌کار، پایداری یا اصلاح‌طلب، باند رفسنجانی و یا سایر باندها محدود نمی‌گردد. هنوز این تبهکاری‌ها، خودسری‌ها، تفرقه‌افکنی اجتماعی و... در حافظه تاریخی مردم ایران که تحقیر شده، هوششان نفی گردیده، تاریخشان تحریف شده، حقوقشان پایمال گردیده، مورد ظلم و ستم و برخورد ناعادلانه قرار گرفته و احساسات ملی، روحی، روانی و انسانی آنها جریحه‌دار شده است ثبت گردیده و زنده است. این عامل مهم فرهنگی و روانی که روح و روان اجتماعی جامعه ایرانی را لگدکوب کرده و جامعه‌ای متشنج، ناراضی، معترض و انفجاری به جا گذارده است از نظر مردم ایران محصول دین، روحانیت و شریعت اسلامی است که البته چندان هم بی‌ربط نیست. حتی اگر تبلیغات و دروغ‌هایی را که به رژیم نسبت می‌دهند به عنوان نقاط منفی از کارنامه این نظام کاهش دهیم باز هم چهره تمیزی از آنها باقی نمی‌ماند.

ضدانقلاب و ستون پنجم اسرائیل در ایران اتفاقاً بر این ارضیه به جا مانده، بر این نفرت، کابوس، هراس و وحشت عمومی تکیه می‌کند که ریشه‌های چهل ساله در ایران دارد. امروز اسلام ناب محمدی و شریعت اسلامی و حکومت اسلامی حکم همان لولوخورخوره‌ای را بازی می‌کند که مادران برای ترساندن کودکان خود برای تربیتشان به آن اشاره می‌کردند. مردم ایران در اکثریت خود از این لولوخورخوره حاکم دل خوشی ندارند و لذا هر جا صحبت از روی کار آمدن یک حکومت اسلامی می‌شود فوراً تمام این ... ادامه در صفحه ۵

حماس رهبر رهائی‌بخش مردم فلسطین بر ضد اشغالگری و تجاوز است

تکاتی چند در زمینه... دنباله از صفحه ۴

خاطره‌های تاریخی زنده شده و چون سیلی به مخیله مردم هجوم می‌آورند و منجر به واکنش منفی، داوری ناسنجیده آنها نسبت به رویدادهای نادیده و حتی ناشنیده می‌گردد. مردم ایران روایت اسلامگرایی وهابیت‌ها، سلفیت‌ها، داعش و... را دیده‌اند و از حضور آنها در زندگی خصوصی و اجتماعی خویش بی‌مناکند و آرزوی نابودی و مرگ آنها را دارند. وقتی حماس به عنوان اخوان المسلمین، اسلام‌گرا معرفی می‌شود که خواهان اجرای شریعت اسلامی است، در میان اکثریتی از مردم ایران چهره زشت همین روحانیت متشع در اوایل انقلاب ایران متجلی می‌شود که می‌خواستند با زور، مردم را به بهشت برین ببرند. فراموش نکنیم خلخالی دسته دسته جوانان میهن ما را بدون محاکمه و ابلاغ حکم دادگاه، خودسرانه تیرباران می‌کرد و مدعی بود بی‌گناهان به بهشت می‌روند و نگاه‌کاران به سزای اعمال خود رسیده‌اند. برخورد مردم ایران به مسئله فلسطین را باید از این منظر نیز نگریست زیرا آنها بر این باورند که پیروزی حماس وضع مردم فلسطین را بهبود نبخشیده و حتی شاید برخی از حقوقی که حقوق خصوصی مردم فلسطین است را نیز به زیر پا بگذارد. این است که آنها ناخواسته، به فرمان ضمیر ناخودآگاه خویش سکوت اختیار می‌کنند و حمایت از حماس را بدون تامل، حمایت از رژیم جمهوری اسلامی و کارنامه سیاه جنایات و دزدی آنها می‌دانند.

اشتباه این عده در این است که خود قربانی تبلیغات صهیونیسم بوده و نه از منشور حماس خبر دارند و نه از سیاست‌های وی مطلعند و گوش خود را داوطلبانه در اختیار تلویزیون «اسرائیل انترنشنال» قرار داده‌اند. درست است که حماس یک سازمان اسلامی است، ولی برای آزادی فلسطین مبارزه می‌کند و می‌خواهد نیروهای متجاوز و اشغالگر را که هیچ حقوقی برای مردم فلسطین قایل نبوده و همه آنها را حیوانی دیوا تلقی می‌کنند از این سرزمین ابا اجادی خود بیرون کرده تا مسلمانان، مسیحیان و یهودیان بومی این سرزمین بتوانند به صورت دموکراتیک در کنار هم زندگی مسالمت‌آمیز کنند. این حق آنهاست. سیاست ارتجاعی صهیونیستی و ضدبشری که تلاش دارد مسلمانان را از این حق طبیعی، تنها به جرم مسلمان بودن محروم کند یک سیاست ضدبشری و ارتجاعی است و به آنجا منتهی می‌شود که بشریت استعمار بریتانیا و فرانسه در مصر، سودان، سومالی، الجزایر، تونس، لیبی و... را توجیه و مبارزه آزادیبخش آنها به رهبری سرکردگان مسلمان و جنبش مسلمانان این کشورها بر ضد استعمار کهن را محکوم نماید. در حالی که راه پیشرفت مردم فلسطین و سعادت آنها ادامه اشغال نیست، بلکه کسب آزادی سیاسی و مبارزه برای دموکراسی و تداوم آن است. یک انسان شرافتمند و با وجدان از مبارزه مردم فلسطین به رهبری سازمان اسلامی مقاومت حماس مستقل از کابوس جمهوری اسلامی به دفاع برمی‌خیزد زیرا این دفاع نه تنها انسانی است بلکه راه حل سعادت و رفاه مردم فلسطین نیز بوده و مغایر دروغ‌هایی است که هواداران اسرائیل در ایران تبلیغ می‌کنند. سکوت در مقابل جنایات ضدبشری نژادپرستان بی‌تفاوتی و بی‌طرفی نیست، هر دو طرف را ارتجاعی خواندن و در کنار صهیونیسم قرار گرفتن حمایت آشکار از نسل‌کشی و جنایات هولناک

در غزه است. این رویه و رفتار از سقوط اخلاقی به عمق بی‌وجدانی پرده بر می‌دارد. فریب ایرانیان خودفروخته اسلام‌ستیز و ایران فروش را نخوریم که در این اواخر پس از جنایات اسرائیل در نوار غزه مأمور شده‌اند برای ایرانی‌ها توره‌های بازیدی رایگان از بازداشتگاه‌های یهودیان در زمان نازی با کمک‌های مالی اسرائیل و دولت آلمان ترتیب دهند تا نظر هموطنان ایرانی را از درجه جنایات اسرائیل و تصاویر این نسل و کودک‌کشی در نوار غزه منحرف کنند و در واقع توجیهی برای حق بقاء اسرائیل صهیونیستی و حقانیت بربرمنشی آنها بی‌آفرینند. فریب آنها را نخوریم که با تبلیغات خود بر ضد حماس و فلسطینی‌ها، زشتی سربازگیری و خبرچینی برای صهیونیست‌ها را در میان ایرانیان خنثی می‌کنند و جاسوس پرورش می‌دهند. به ایران بنگرید و ببینید این دستگاه ستون پنجم، خبرچین، تروریست‌پرور و خرابکار چگونه عمل می‌نماید. دیروز مدافع «زن، زندگی، آزادی» و امروز حامی کودک‌کشی، مادر کشی و نسل‌کشی.\*

#### اسرائیل بعد از ۱۷ اکتبر... دنباله از صفحه ۱

تجاوز جنسی وجود دارد؟ اسرائیل تلاش دارد با پخش وسیع دروغ از دامنه تحقیر و بی‌آبرویی و غافل‌گیری خویش بکاهد. آمریکا و اسرائیل در اثر غافل‌گیری قادر نبوده‌اند به مدیریت این بحران بپردازند و از این چاله به آن چاه می‌روند. نشریه اشپیگل می‌نویسد: «در یک همه پرسی توسط موسسه‌ی فلسطینی همه‌پرسی «پی اس آر» (PSR) ۹۰ درصد فلسطینی‌ها ادعای انجام وحشیگری توسط حماس را رد کردند» (مجله اشپیگل آلمان شماره ۵۱ مورخ ۱۶/۲۳/۲۰۲۲).

صهیونیست‌های اسرائیل فکر می‌کردند در همان هفته نخست با هجوم به نوار غزه، بمباران، کشتار بربرمنشانه «انسان‌نماها»، نسل‌کشی، کودک‌کشی می‌توانند شاهد پیروزی را در آغوش کشند. آنها حتی برای سیاست‌شان فاقد یک برنامه راهبردی هستند و نمی‌دانند که جنگ را در کجا و با چه شروطی باید پایان دهند. آنها که آینده و بقاء خود را در این درگیری می‌بینند سراسیمه به دست و پا زدن مشغولند. اسرائیل که هنوز از ضربه ۱۷ اکتبر گیج است، بدون دورنما به پیش می‌رود و فقط نسل‌کشی کرده و رجزخوانی می‌نماید که عملش باعث شده تمام دژ مسخره لیبرالیسم غرب در دفاع دروغین از حقوق بشر، آزادی، دموکراسی، حقوق ملل و... فروریخته و قابل بازسازی نباشد. چهره دنیا رنگ دیگری به خود گرفته است که روند چندقطبی شده جهان را تشدید می‌کند. ولی این نبرد غافل‌گیرانه مبارزه میان دو ارتش نیست، به نبردی فرسایشی بدل شده که اسرائیل در آن نه تجربه‌ای دارد و نه توان ادامه آن را خواهد داشت. آنها از همان بدو امر با اتهامات و تبلیغات مبنی بر «تروریستی» خواندن سازمان مقاومت اسلامی حماس، مطبوعات جهان حتی مطبوعات برخی محافل و گروه‌های «مارکسیست-لنینیست»‌ها را از این اتهامات مملو ساختند. هدف آنها این بود که مبارزه آزادیبخش مردم فلسطین به رهبری سازمان حماس را مبارزه تروریستی جلوه دهند. این تبلیغات ترجیح‌بند همه تبلیغات ممالک غربی بود. به یاد داشته باشیم که مبارزه مردم فلسطین فقط در چارچوب سازمانی حماس صورت نمی‌گیرد. سازمان‌های دیگری از جمله جهاد اسلامی، جبهه خلق برای آزادی فلسطین، جبهه

دموکراتیک خلق برای رهایی فلسطین و چندین سازمان دیگر نیز در این مبارزه مشترک آزادیبخش شرکت دارند. و این در حالی است که جامعه جهانی که اکثریت ممالک و مردم جهان را تشکیل می‌دهند به واقعیات تکیه کرده و از مبارزات آزادیبخش سازمان حماس دفاع می‌کردند و می‌کنند. کسانی حماس را «تروریست» می‌خوانند که از تروریست‌های داعش در سوریه دفاع کرده، ترور آنها در ایران را تأیید نموده از حضور آنها در افغانستان و جمهوری آذربایجان در کشتار ارمانه حمایت نموده و آنها را لای پست پیزا برای مأموریت‌های بعدی خوابانده‌اند.

بدا به حال مزدوران ایرانی صهیونیسم و چپ‌های ضدکمونیست که با تروریست خواندن حماس، آماج حمله قرار دادن مبارزه وی، همترار قرار دادن مبارزه آزادیبخش آنها با زورگویی استعمارگرانه و اشغال‌گرانه صهیونیسم در قالب تبلیغاتی نظیر این که «هر دو قطب ارتجاعی‌اند» که متن و روح نوشته آنها بیش‌تر بر ضد حماس است تا صهیونیسم اسرائیل، در مقابل واقعیات جدیدی قرار می‌گیرند که ناچارند یا به ابعاد دروغ‌های خویش وسعت دهند یا این که واقعیات را کتمان کنند. مزدور همواره سنگ روی یخ باقی می‌ماند زیرا ارباب آنها بسیار واقع‌بینانه‌تر عمل می‌کند و نمی‌تواند خود را همواره در عرصه هوچیگرانی پنهان کند.

این واقعیت چیست؟ بعد از این که حماس قدرت خویش را در رهبری مردم فلسطین، اعتماد آنها که به اعتراف تمام ماشین سرکوب ارتجاع جهانی ۸۰ در صد مردم فلسطین را در بر می‌گیرد نشان داد و بعد از این که این مبارزه ماه‌ها طول کشیده و بر خلاف تبلیغات صهیونیسم پایانی بر آن متصور نیست، این پرسش مطرح شده است که اگر نابودی حماس مقدور نباشد، که مسلما نیست، طرح هر پیشنهاد و راه حلی که منجر به آتش بس و یا آینده سرزمین فلسطین شود بدون مذاکره با حماس یعنی همان سازمان «تروریستی» که در غرب ممنوع اعلام شده است وجود ندارد. این بدان معناست که دول غربی باید به تدریج از این تئوری من درآوردی «تروریست» بودن حماس فاصله گرفته و این سازمان را به عنوان نماینده مردم فلسطین به رسمیت بشناسند و گرنه صحبت از مذاکره با افراد خیالی و یا مترسک‌های بی‌اعتباری نظیر محمود عباس حرف مفت بوده و برای کسی قابل پذیرش نیست. بدیل دیگری به جز سازمان آزادیبخش حماس به عنوان نماینده واقعی مردم فلسطین وجود ندارد. به همین جهت اگر با دقت به اخبار رسانه‌های امپریالیستی گوش فرادهید و مطبوعات آنها را زیر ذره‌بین بگیرید می‌بینید که دیگر از سازمان حماس به عنوان سازمان «تروریستی» به ندرت صحبت می‌شود و یک تغییر لحن به روشنی در گفتار و سیاست آنها مشهود است. لحن گفتار در برنامه‌های خبرگزاری بی‌بی‌سی که تا دیروز قابل تحمل نبود، در این زمینه بسیار گویاست: «اسرائیل در یک مردابی گرفتار شده که هیچ راه خروج ندارد؛ آنها در این جنگ هیچ دستاوردی نداشتند و تاکنون حماس برنده این جنگ بوده است؛ نابودی حماس غیر ممکن است!»

«پیش‌بینی‌های ارتش اسرائیل در مورد شکست و خلع سلاح سازمان حماس و آزادی گروگان‌ها غلط از آب درآمد و امروز مجبور است با مذاکره و امتیاز دادن به حماس مسئله گروگان‌ها را حل کند. از طرفی افکار عمومی جهان نیز کاملاً علیه اسرائیل چرخش کرده است.» آنها از حماس و مبارزه «تروریست‌ها» سخن می‌رانند و به تدریج دارند این ... ادامه در صفحه ۶

**تئوری «مبارزه دو قطب ارتجاع»، تئوری صهیونیسم برای تخطئه مبارزه مردم فلسطین است**

اسرائیل بعد از ۱۷ اکتبر... دنباله از صفحه ۵

تئوری را جی می اندازند که حماس از دو جناح تشکیل شده است جناح «تروریست»ها و جناح غیرتروریستی و مذاکره با حماس به مفهوم مماشات با تروریسم نبوده بلکه تقویت جناح «خوب» حماس است.

ظاهرا از نظر بین المللی کشور قطر و اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس و ساکن قطر نماینده جناح خوب و «واقع بین و معتدل» و یحیی سنوار رهبر گردان قسام، رهبر جناح خشونت طلب و عامل جمهوری اسلامی ایران است. آنها قبلا تلاش داشتند که محمود عباس بی آبرو را به عنوان نماینده مردم فلسطین جا زده و با وی برای سازشکاری به مذاکره بنشینند. مذاکراتی هم با وی به عنوان نماینده مردم فلسطین از طرف مقامات سیاسی سایر ممالک صورت گرفت که پیشیزی ارزش نداشت و ندارد زیرا محمود عباس مورد نفرت مردم فلسطین بوده و فاقد پایه اجتماعی است و درست به این جهت توافقات وی فقط مرکب بی ارزش بر کاغذ صبور است. ممالک اروپائی بعد از این که در جریان جنگ دو ماهه به بی نفوذی محمود عباس و نفرت فلسطینی ها از وی عمیقاً پی بردند از وی رویگردانده و عملاً رضایت دادند که وی در اثر مبارزه قهرمانانه مردم فلسطین به زیاده دان تاریخ پرتاب شود. امروز تنها بدیل مذاکره با دشمنان مردم فلسطین سازمان حماس است. دیر یا زود یاران اشغال مستمر فلسطین باید بپذیرند که با سازمان حماس به مذاکره بنشینند و حتی در مورد آینده نوار غزه و سرزمین فلسطین صحبت کنند. پایان این منازعه دو طرف دارد. این یک خوش خیالی است وقتی صهیونیست ها فکر می کنند با قتل عام یک و نیم میلیون فلسطینی از «دست حماس» خلاص می شود. حماس نام نیست یک ایده، ایده آزادی فلسطین است. با مرگ شوقیری و با درگذشت یاسر عرفات هم ایده آزادی فلسطین که سالها قبل از ظهور حماس وجود داشت از بین نرفت. نسلی که امروز بر تل خاک غزه پرورش می یابد مسلمان در سالهای آینده متکی بر تجربیات گذشته، دامنه دارتر، عمیق تر، وسیع تر و با حمایت عظیم جهانی در میان ملت های عرب مسلمان و غیرمسلمان روبروست. صهیونیسم دارد گور خود را می کند.

ما با تشدید تناقضات و اختلافات میان اتحادیه اروپا و آمریکا در برخورد به تبهکاری های اسرائیل در فلسطین اشغالی روبرو هستیم که حتی این تضادها را در برخورد به قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز نشان می دهند. برخی از ممالک اروپائی نظیر ایرلند، پرتغال، اسپانیا، بلژیک به صراحت و برخی به صورت ضمنی حاضر نیستند از سیاست آمریکا و بخشی از اروپا نسبت به جنایات صهیونیسم در فلسطین دفاع کنند. حتی وزیر خارجه دهان دریده آلمان خانم بروک ناچار شده چاک دهانش را کمی بکشد و گفتار خویش را سنجیده انتخاب کند. گرچه سرکوب مخالفان اسرائیل در آلمان بیداد می کند، ولی در سیاست خارجی ناچارند لحن دیگری اتخاذ کنند. همه این شواهد حاکی از آن است که عنقریب همه این ممالک به مذاکره با سازمان حماس که دیگر نمی توانند آن را «تروریستی» بخوانند تن در خواهند داد و این برای چپ ضدکمونیست و ایرانی های مزدوری که خود را در دفاع از صهیونیسم پشت سنگر «مبارزه ارتجاعی دو قطب» پنهان کرده اند بسیار ضربه بزرگی خواهد بود. ما با شگفتی منتظریم ببینیم این مزدوران و یاور صهیونیست ها برای استحمار اعضاء و هواداران خود، دیگر چه استدلالی از انبان اتهامات خویش بیرون می کنند.\*

صهیونیسم و امپریالیسم پدر... دنباله از صفحه ۸

عوامل اسرائیل تجزیه طلب را به خاک ایران می فرستد، مهم این است که در پشت این خرابکاری ها و سیاست شکست خورده ی سوریه ای کردن ایران، صهیونیسم و امپریالیسم به عنوان مبتکران اصلی این امر پنهان شده اند و صحنه گردان این معرکه اند. مگر آن چاقوکشان و قمه به دستانی که با کوکتل مولوتف به ماموران انتظامی حمله می کردند، تروریسم را اعمال می نمودند تا خشونت را به اوج خود رسانده به ایجاد تشنج و تخریب دست ززند کمتر از داعش عمل می کردند. آنها حتی جنایات داعش در شاهچراغ را مورد حمایت قرار داده و مدعی شدند کار خودشان است. گیریم کار خودشان است شما جنایتکاران چرا تروریسم را محکوم نمی کنید تا جمهوری اسلامی نیز افشاء شود؟ زیرا با آنها نسبت خانوادگی دارید.

مشکل رژیم ارتجاعی حاکم در ایران این است که حفظ امنیت و تقویت خود را تنها در سرکوب مخالفان و یا مبارزه با گروه های تروریستی و یا اعتراضات کوری که به سرعت به ابزار سوءاستفاده امپریالیسم بدل می شود جستجو می کند، در حالی که حمایت از امنیت ملی تکیه به مردم ایران حمایت همه جانبه و در تمام زمینه ها به عنوان مردمانی با هویت ایرانی صرفنظر از رنگ پوست و مذهب، جنسیت و عقاید آنهاست. ملت یکپارچه، متحد، همدل که حقوقش به رسمیت شناخته شود، از احترام برخوردار باشد، زن و مردش دارای تساوی حقوق اجتماعی و ... باشند، حقوق کارگش پرداخت شود، امنیت شغلی داشته باشد، آموزشش در اثر خصوصی سازی مدارس نابود نگردد و آموزگارش بیکار نشوند و... تنها تضمینی است که می تواند امنیت ملی را تقویت کند تا هر چه صهیونیسم و امپریالیسم به ایجاد تروریسم، تشنج، تزلزل و... دست ززند کوچکترین لرزه ای بر اندامش نیفتد. ولی متأسفانه وضع چنین نیست و دشمنان تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی ایران به خوبی از این ضعف و چشم اسفندیار وضعیت ایران با خبرند و با توسل به تروریسم و سایر ابتکارات خرابکارانه در عرصه های تولیدی، نظامی، تدارکاتی و دیپلماتیک وضعیت ایران را نابامان و متزلزل می سازند. تقویت قوای نظامی ایران برای مقابله با دشمنان خارجی وظیفه هر حکومتی نیز هست که بعد از رژیم جمهوری اسلامی در ایران بر سر کار آید ولی اگر این حاکمیت از حمایت مردمی برخوردار می بود کککش هم از هیچ تروری نمی گزید، هراسناک نمی شد، سراسیمه نمی گردید و دستش نیز در مقابله به مثل باز بود، زیرا حمایت معنوی مردم را به دنبال داشت. ولی اکنون چنین نیست و حاکمیت باید هر واکنشی را که از روی استیصال و ناپختگی نشان می دهد، در آب نارضائی مردم و خطر شورش داخلی بشوید. ایجاد امنیت ملی بدون تکیه بر مردم ممکن نیست و تا موقعی که مثنی فاسد و دزد در راس امورند که سیاست های غارتگرانه نئولیبرالیسم را به اقتصاد ایران تحمیل کرده از طریق خصوصی سازی و بانک های خصوصی چون زالو به رگ های اقتصادی ایران چسبیده و خون مردم را می مکند و در اطاق بازرگانی و دنیای اقتصاد لانه کرده اند، خطر ریزش و گسل جامعه همیشه فراهم است. اگر این حاکمیت پایگاه مردمی داشت اسرائیل هرگز جرات نمی کرد با تحریرکات تروریستی تلاش کند ایران را به یک درگیری سراسری منطقه ای با افق نامعلوم بکشاند. در کنار این تروریسم صهیونیستی- داعشی تروریسم تبلیغاتی و معنوی دیگری

نیز وجود دارد که به طور عمده از زمان غائله زن، زندگی، آزادی نمایان شد. مثنی بی وجدان تروریست که همان ادامه غائله زن، زندگی، آزادی است از کشتار مردم ایران احساس سرور نموده جشن گرفتند و سلبریتی ها همدست آنها حمایت ضمنی خویش را از این ترور ابراز داشتند و نشان دادند که تا چه حد خشونت طلب و خون آشام بوده و تبلیغاتشان در باره حقوق زنان، کودکان، انسان ها، رفتار مسالمت جویانه، صلح دوستی و... ریاکارانه است. آنها همین سیاست را در مورد جنایات صهیونیسم در نوار غزه داشتند و دارند. این عده ادامه سیاست داعش در ایران و ستون پنجم صهیونیسم در میهن ما بوده که خواهان تشدید تحریم های امپریالیستی و تجاوز نظامی به ایران هستند. حاکمیت ایران باید به علل برشمرده و بی کفایتی در حل معضلاتی که ریشه طبقاتی دارند در چند جبهه بجهنگد که نیرویش را تحلیل برده و این سیاست ناپیگیر و کج دار و مریز ایران را به کام نابودی می کشاند.\*

ناتو و اوکراین ... دنباله از صفحه ۸

خواهیم کرد! که از دهان «بایدن» و «بروک» وزیر خارجه آلمان بیرون می آمد خبری نیست و زلنسکی بی نوا دست خالی در به در به دنبال کمک می گردد. بی جهت نیست که «جیمز اسنوریدیس» فرمانده سابق ناتو هشدار می دهد که «اوکراین به دلیل ضعف قدرت نظامی و کمبود تجهیزات مجبور به عقب نشینی خواهد شد و به این ترتیب نه تنها قادر به پس گرفتن سرزمین های اشغال شده توسط روسیه نخواهد بود، بلکه ناچار خواهد شد که امتیازاتی نیز به آنها بدهد». او با وخیم شمردن وضع ارتش اوکراین، معتقد است که «حتی عملیات تهاجمی پر هزینه نیز زین پس قادر نخواهد بود که تغییری ماهوی در شرایط موجود پدید آورد» و در پایان به مثابه یک عامل غرب به اوکراین پیشنهاد می کند که «در ازای عضویت در اتحادیه اروپا، کریمه را به روسیه به بخشد»!

این ژنرال سابق ناتو در عین حال معتقد است که «اگر غرب به کمک نظامی خود به اوکراین ادامه دهد در بهترین حالت شاید بتوان به وضع موجود در جبهه ها تا بهار ۲۰۲۴ ادامه داد، اما قطع کمک غرب می تواند یک «سناریوی بسیار تاریک» برای اوکراین به همراه داشته باشد و ارتش ناچار به عقب نشینی شود.» او فراموش می کند که غرب ۶ ماه آزرگار اوکراین را تا دندان مسلح کرد تا با یک «ضد حمله» قادر به پس گرفتن زمین های باخته شود، که نشد! کمک های احتمالی آتی نیز سرنوشتی جز این نخواهند داشت و غرب به احتمال قریب به یقین درست به همین دلیل از دامنه کمک ها روز به روز بیش تر می کاهد.

اخیرا حتی «زالوشنی» به عنوان فرمانده کل نیروی مسلح اوکراین اعتراف کرد که وضعیت در خط مقدم جبهه به بن بست رسیده است و اوکراین دست آورد چشم گیری نخواهد داشت.

### چالش های زلنسکی

چالش زلنسکی تنها در شکست ضد حمله و در نتیجه به بن بست ... ادامه در صفحه ۷

**دست امپریالیسم، صهیونیسم و متحدان تروریستان از ایران کوتاه باد!**

ناتو و اوکراین ... دنباله از صفحه ۶

رسیدن کشور در عرصه نظامی و در همین رابطه عمیق تر شدن اختلافات با شهردار کیف «کلیچکو» و فرمانده ارتش «زالوشنی» نیست، بلکه خستگی مردم اوکراین از جنگ و اوضاع حاکم و ریزش پشتیبانی دول غرب، به ویژه آمریکا نیز او را از هر زمان بی اعتبارتر و خفت بارتر کرده است.

در چنین شرایطی آمریکا ناچاراً در صدد بر آمده است که جانشینی برای زلنسکی پیدا کند. گویا دو ژنرال ارتش مدنظرند که یکی از آنها «زالوشنی» است. «زالوشنی» نه تنها از پشتیبانی ارتش برخوردار است، نه تنها از پشتیبانی بسیاری از سیاستمداران از جمله «کلیچکو» برخوردار است، بلکه اکثریت مردم اوکراین نیز از او حمایت می کنند.

کار به جایی رسیده است که «پتروشکو» رئیس جمهور فاسد پیشین و حزبی، تحت نام «اتحاد اروپائی» نیز فعال شده اند. گویا او کاندیدای در آب نمک خوابانده دیگری است که آمریکا برای جانشینی زلنسکی در نظر گرفته است.

از سوی دیگر بلینکن گفته است که اوکراین یک تیم رهبری قوی تشکیل داده است که در صورت ترور زلنسکی (!) کشور را به صورت شورایی اداره کند! آمریکا تمام چرخ ها را برای جلوگیری از شکست اوکراین به گردش در آورده است. حتی عزیمت ژنرال سه ستاره آمریکائی «انتونیو آلتو» به اوکراین، پس از شکست ضدحمله زلنسکی، برای تدوین استراتژی جدید راه به جایی نبرده است. این ژنرال قبلاً نیز از سال ۲۰۲۱ تا پایان سال ۲۰۲۲ در اوکراین فرمانده عملیات بوده است. ادعا می شود که او برای پی بردن به واقعیت های موجود در جبهه های جنگ به اوکراین اعزام شده است، زیرا زلنسکی به اعتراف «کلیچکو»، این اواخر دروغ های زیادی به غرب گفته است.

روزنامه تاگس اشپیگل برلن از قول «یوری بوتوسوف» روزنامه نگار نظامی اوکراین از «توطئه های دفتر ریاست جمهوری در برخورد با فرماندهی ارتش» پرده برداشت. خود زلنسکی در این رابطه به «ساندی تایمز» گفته بود «اگر یک نظامی تصمیم بگیرد وارد سیاست شود... دیگر نمی تواند نظامی باشد». منظور او دخالت و انتقادات روز افزونی است که «زالوشنی» و هوادارانش از وی می کنند.

فشار بر روی زلنسکی هر روز افزایش می یابد و از تمه محبوبیتش در میان مردم کاسته می شود. طبق یک همه پرسی برای انتخابات ریاست جمهوری آینده «زالوشنی» از طرفداران به مراتب بیشتری برخوردار است.

### کاهش کمک های غرب

یکی از دلایل کاهش بارز کمک های آمریکا و اروپا به اوکراین، همان طور که قبلاً اشاره رفت، وضعیت

اسفبار نظامی این کشور در جبهه نظامی و شکست فاحش در مقابل روسیه است. «کشورهای غربی از اوت تا اکتبر ۲۰۲۳ تقریباً ۹۰٪ کمتر از همین بازه زمانی نسبت به سال قبل به اوکراین اسلحه تحویل داده اند. (نقل از انستیتو اقتصادی کیل) در فاصله زمانی یاد شده تنها ۲/۱ میلیارد دلار به اوکراین کمک شده که کم ترین رقم از آغاز جنگ است. این نشان از آن دارد که آمریکا و اروپا آگاهانه از کمک به اوکراین طفره می روند. در همین رابطه وزیر دفاع آلمان «بوریس پیستوریوس» اذعان داشت که اتحادیه اروپا نمی تواند یک میلیون گلوله توپی را که به اوکراین وعده کرده بود تحویل دهد».

با توجه به کمک از آمریکا، اوکراین امیدوار است که ۵۰ میلیارد یورو کمکی که اروپا قول داده عملی گردد. ولی روزنامه تاگس اشپیگل در این رابطه نوشت: «ارسال این کمک نیز غیرممکن به نظر می رسد». و اضافه می کند «این وضع موقعیت روسیه را قوی تر می کند».

این راهم اضافه کنیم که اپوزیسیون آقای بایدن در ماه اکتبر جولای ارسال ۱۰۶ میلیاردی به اسرائیل و اوکراین را گرفت.

اما در این میان تنها میلیتاریست های آلمان به ویژه وزیر دفاع «سوسیال دموکرات» و نیز حزب سبزها به خاطر اعمال سلطه اقتصادی، سیاسی و حتی نظامی بر اوکراین، نقش دوربانه ای ایفا می کنند. وزیر دفاع آلمان حجم کمک نظامی به اوکراین برای سال ۲۰۲۴ را از ۴ به ۸ میلیارد یورو افزایش داد، گرچه که خود دولت آلمان برای تصویب بودجه سال جدید با کمبود مالی لاینحل مواجه است!

این در حالی است که پیشنهاد کمک ۶۱ میلیاردی آمریکا به اوکراین برای سال ۲۰۲۴ که جو بایدن به کنگره برده بود نیز مورد توافق قرار نگرفت. در پارلمان اروپا هم مخالفت هائی با ادامه کمک ۵۰ میلیارد یورویی به اوکراین به چشم می خورد. ویکتور اوربان نخست وزیر مجارستان اعلام کرد که در اجلاس سران ۲۷ کشور اتحادیه اروپا با کمک مالی ۵۰ میلیارد یورویی این اتحادیه به اوکراین مخالف است و آن را وتو خواهد کرد.

این دولت که با روسیه روابط حسنه دارد و هیچگاه در تحریم های اروپا علیه روسیه شرکت نکرد و کماکان سوخت خود را از روسیه تامین می کند، نه تنها مخالف عضویت اوکراین در ناتو است، بلکه با عضویت او در اتحادیه اروپا نیز مخالف است. علت وتوی کمک ۵۰ میلیارد یورویی اروپا به اوکراین از جانب اوربان را نیز باید در این رابطه جستجو کرد.

### مذاکره با روسیه تنها راه باقی مانده

با توجه به شرایط یاد شده در بالا شایعات زیادی مبنی بر مذاکره با روسیه بر سر آینده اوکراین بر سر

زبان هاست. دلیل اصلی را نیز همانگونه که قبلاً اشاره رفت باید در شکست اوکراین- ناتو در جنگ با روسیه جستجو کرد.

«جی دی ونس» سناتور جمهوریخواه آمریکا گفت: «هر انسان عاقلی متوجه می شود که اوکراین قادر به عقب راندن روسیه به مرزهای ۱۹۹۱ نیست و مناقشه باید با مذاکره حل شود و بهتر است این کار در اسرع وقت صورت پذیرد». (تکیه از توفان)

خواست ضرورت مذاکره با روسیه با هدف پایان بخشیدن به جنگ اوکراین هم در آمریکا بالا گرفته و هم در سایر کشورهای عضو ناتو.

اما زلنسکی که بدون کمک های غرب قادر به نفس کشیدن نیست بر این نظر است که «تاخیر در کمک به اوکراین به نفع پوتین است!» او این جمله را در سفر اخیرش به آمریکا بیان کرد. او با علم به اینکه آمریکا کمک ها را قطع کرده است، اضافه کرد «شما می توانید روی اوکراین حساب کنید، ما هم امیدواریم که بتوانیم روی کمک های شما حساب کنیم!!» به بیان ساده: ما نوکر شما نیستیم، کمک کنید و ما خدمت می کنیم! اما کاسه گدائی که او با خود به آمریکا برده بود خالی برگشت. سال پیش اعضای کنگره آمریکا یک پارچه ایستاده برایش کف می زدند، امسال اصلاً به کنگره راهش ندادند!

واقعیت اینست که آمریکا از آغاز جنگ اوکراین ۱۱۰ میلیارد دلار به اوکراین کمک کرده است، ولی اکنون جمهوریخواهان با تقاضای جو بایدن مبنی بر یک کمک ۶۱ میلیاردی به مخالفت برخاسته اند. همانطور که قبلاً اشاره رفت اخیراً سران کشورهای اروپائی در بروکسل نیز نتوانستند بر روی کمک ۵۰ میلیارد یورویی به اوکراین در سال جدید به توافق برسند.

شرایط رقت بار اوکراین را می توان در نکات زیر خلاصه کرد:

- به ته دیگ خوردن کفگیر کمک های آمریکا و اروپا،
- زمین گیر شدن اقتصاد این کشور،
- مهاجرت میلیون ها اوکراینی به خارج از کشور،
- کشته و زخمی شدن بیش از ۵۰۰ هزار سرباز در جبهه که عملاً قربانی مطامع غرب شده اند،
- منهدم شدن عدوات جنگی،
- و بالاخره تشدید حملات روسیه که اکنون به خارکف و کیف رسیده است و...
- در نتیجه این کشور عملاً به لبه پرتگاه سقوط رسیده است. لذا برای زلنسکی و امپریالیست های ناتوئی به رهبری آمریکا راهی جز قبول شکست، پذیرفتن صلح و در عین حال سر فرود آوردن در مقابل واقعیت جهان چند قطبی، با تمام عواقب و عوارضش باقی نمانده است. \*



مقالات توفان الکترونیکی شماره ۲۱۰ دی ۱۴۰۲

را در تارنمای توفان مطالعه نمائید!

توفان الکترونیک در اول هر ماه میلادی منتشر می شود!

ایران جمهوری اسلامی نیست، ایران میهن ماست و باقی خواهد ماند

صهیونیسم و امپریالیسم  
پدر خوانده‌های  
تروریسم در جهان

ترور بربرمنشانه در شهر کرمان در سالگرد ترور دولتی- امپریالیستی سردار قاسم سلیمانی را که منجر به قتل حدود صد نفر و جراحت صدها نفر شد به شدت محکوم می‌کنیم و این اقدام را در خدمت ایجاد ترلزول، تضعیف امنیت ملی، حمایت از ارتجاع امپریالیستی صهیونیستی ارزیابی می‌نمائیم. عده‌ای در ایران تلاش دارند تا اصل مسئله را منحرف نموده و مدعی شوند که اتهام تروریست به اسرائیل «بی‌گناه» نادرست بوده و داعش مسئولیت این امر را به عهده گرفته است. این عده در سطح باقی مانده‌اند و از شکل رویدادها سلاجی برای تبریته صهیونیسم می‌سازند.

مسئولیت این امر به عهده کسانی است که وضعیت خاورمیانه را متشنج کرده، داعش را در واشنگتن و تل آویو پرورانده، کشور اشغالگر و مصنوعی اسرائیل را خلق کرده و به جان مردم منطقه افکنده‌اند. این مهم نیست که صهیونیسم با دست کدام یک از ابزارش، فرقه رجوی، داعش، جیش‌والعدل و یا گروه‌های تجزیه‌طلب قومی با عنوان «چشم و چراغ» ایران به این اقدام دست می‌زند، بلوچستان را متشنج می‌کند و یا در غرب ... ادامه در صفحه ۶

## ناتو و اوکراین شکست خورده‌اند

یکشنبه هفته پیش «جو زپ بول» مسئول روابط خارجی اتحادیه اروپا اقرار کرد که «اگر اروپا به خود نجنبید اوکراین در جنگ شکست می‌خورد!» ... چون روسیه یک قدرت بزرگ است. و ما اضافه می‌کنیم که اگر اروپا تمام توان خود را برای اوکراین بسیج کند بازهم شکست خواهد خورد. به دیده ما برای آمریکا، اروپا و اوکراین راهی جز مذاکره جهت دستیابی به صلح باقی نمانده است زیرا شرایط عینی و ذهنی کنونی برای غرب جز تمکین در مقابل خواست‌های روسیه باقی نگذاشته است. چرا؟

## کمبود قوای نظامی و پیش روی روسیه

«رستم عمروف» وزیر دفاع اوکراین در مصاحبه‌ای با روزنامه «بیلدسایتونگ» آلمان گفت: «از کلیه اوکراینی‌هایی که قادر به انجام خدمت سربازی هستند می‌خواهیم که خود را به مراکز نظامی معرفی کنند» به طور عمده او روی سخنش با اوکراینی‌هایی که به آلمان گریخته‌اند بود. زلنسکی رقم مورد نیاز ارتش را نیم میلیون سرباز ذکر کرده و گفته است که «به همین دلیل، ارتش اقدام به یک بسیج عمومی کرده است، که خود ۱۲/۲ میلیارد یورو هزینه برمی‌دارد و ما در فکر تهیه آن هستیم». بی‌جهت نیست که او کاسه گدائی را در ایام سال نو مسیحی به دست گرفت و روانه واشنگتن گشت.

طبق گزارشات موجود صدها هزار نفر برای فرار از خدمت سربازی به خارج از کشور گریخته‌اند. تیم تحقیق بی بی سی در ۱۷ دسامبر گذشته اعلام کرد که حتی ۲۰ هزار سرباز اوکراینی از خدمت گریخته‌اند.

طبق آمار موجود هم اکنون در مجموع ۱۴ میلیون اوکراینی کشورشان را ترک کرده‌اند. تنها در آلمان ۱۹۷ هزار نفر که در سنین خدمت سربازی هستند به سر می‌برند.

اکنون یگان‌های گروه‌های جنوبی ارتش روسیه پس از ۲ سال «مارینکا» را کاملاً آزاد کردند. روسیه اعلام کرد با استقرار در «مارینکا» ما موفق خواهیم شد که مواضع ارتش اوکراین را از «دونتسک» بیش‌تر به عقب برانیم. پیش از آن ارتش روسیه در شهرهای «کوپیانسک» و «باخموت» پیشروی‌هایی داشت که نشان از آن دارد که ارتش روسیه ابتکار عمل و دست بالا را در جنگ دارد.

پوتین قبلاً در کنفرانس مطبوعاتی سالانه‌اش در مسکو، بار دیگر بر تحقق بخشیدن به اهداف شده در جنگ اوکراین تاکید کرد و گفت که تا دستیابی به آنها جنگ ادامه خواهد داشت. او در این کنفرانس به درستی بر وابستگی اوکراین به غرب تاکید کرد، زیرا «در اوکراین تولیدی صورت نمی‌گیرد، و تقریباً همه چیز را غرب به آنها می‌دهد». که دارد ته می‌کشد.

## ناتو در کارزار اوکراین به بن بست رسیده است

در ماه گذشته «داوید آراخامیا» رئیس فراکسیون حزب زلنسکی به نام «خدمت‌گزار مردم» در مصاحبه‌ای از جو بایدن گلایه کرد که او به خاطر فشار لابی یهودی‌ها و افزایش کمک به اسرائیل در جنگ غزه، کمک‌های کیف را به حداقل رسانده است. او همان کسی است که در دور اول مذاکره با روسیه از طرف دولت اوکراین شرکت داشت و بعدها اعتراف کرد که «غرب به وی دستور قطع مذاکره را داد». بنا بر گفته او «روس‌ها بر این نظر بودند که اگر ما عضو ناتو نشویم آنها جنگ را قطع خواهند کرد. اما بوریس جانسون به کیف آمد و گفت با روس‌ها هیچ چیز امضا نکنید و به جنگ ادامه دهید». غرب که برای رسیدن به اهداف شومش رذیلانه از جوانان اوکراین به عنوان گوشت دم توپ استفاده کرده و می‌کند، امروز که ارتش مورد حمایتش در مقابله با روسیه به گل نشسته است گناه را در اختلاف نظر میان زلنسکی و وزیر دفاع اوکراین «زالوشنی» خلاصه می‌کند. واقعیت این است که فرمانده ارتش اوکراین در مجله اقتصادی «بریتانیان» وضعیت کلی جنگ میان ناتو و روسیه را «وضعیت بن بست» ارزیابی کرد. از این رو طبیعی است که اختلاف نظر میان زلنسکی و «زالوشنی» روز به روز شدت یابد، تا جایی که بنابر روزنامه «فرانکفورته آگماینه»، «زالوشنی» به آمریکا سفر کند و نزد «لوی آستین» وزیر دفاع آمریکا از دخالت‌های نابجای زلنسکی در کار ارتش و تماس‌های افقی وی با فرماندهان ارتش شکایت برد.

امروز که ناتو با سوءاستفاده از ارتش اوکراین در کارزار با روسیه به بن بست رسیده است، دیگر از جملاتی نظیر «ما تا هر زمان که لازم باشد به اوکراین کمک ... ادامه در صفحه ۶

P.O. Box 1138

D64526 Mörfelden-Walldorf

E-Mail: toufan@toufan.org

Internet: www.toufan.org

Internet: www.toufan.de

Postbank Hamburg

BIC: PBNKDEFFXXX

Bank Account No.: 2573 3026 00

IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

## سخنی با خوانندگان نشریه توفان

نشریه‌ای که در دست دارید، زبان مارکسیست - لنینیست‌های ایران است. «توفان»، نشریه «حزب کار ایران»، حزب طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیست‌های صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها به اتکاء بر نیروی خود پابرجائیم و به این مساعدت‌ها، هر چند هم جزئی باشند، نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید.